

## تحلیل محتوا

### فهیمة باب الحوائجی<sup>۱</sup>

**چکیده:** روش تحلیل در میان روش‌های تحقیق به عنوان یک روش ارزشمند شناخته شده است. عینیت، انتظام، عمومیت و تا آنجا که ممکن است کمی بودن از ویژگی‌های بارز روش تحلیل محتوا می‌باشند. این روش در حوزه کتابداری به معنای عینیت بخشیدن، کمی کردن، سنجش پذیر کردن پیام‌ها از طریق نمادهای مشخص است. متن نقطه آغاز برای اجرای تجربه و تحلیل سند است. مراحل انجام روش تحلیل محتوا عبارتست از: ۱. تحدید موضوع، ۲. تعیین جامعه آماری ۳. مشاهده آزاد، ۴. نهایی سازی فرضیه‌ها و تبدیل آنها به مضمون‌ها یا مقوله‌ها، ۵. مهید معرف‌ها، ۶. تهیه پرسشنامه معکوس هنگامیکه تعداد مقوله‌ها بسیار زیاد باشند و یا به منظور ایجاد «فرهنگ واژگان» و نیز به منظور صرفه جویی در وقت و کاهش هزینه‌ها از رایانه می‌توان استفاده نمود.

قدرت و قابلیت انسان در جهان پرتحول کنونی موجب پیدایش حوزه‌های متعدد و گوناگونی شده است که تلاش در جهت حصول دانش و آگاهی بیشتر در این حوزه‌ها، عصر کنونی را به عصر "انفجار اطلاعات" تبدیل کرده است. حضور انسان در دنیای گسترده اطلاعات مستلزم وجود ابزارها، روش‌ها و تجهیزاتی است که دستیابی وی را به آنچه می‌خواهد ممکن می‌سازد. وضع استانداردهایی برای نشریات و نیز تحلیل محتوا و تحلیل استنادی راه‌هایی هستند که استفاده کنندگان و کتابداران را در جهت شناخت بهتر نشریات کمک می‌کنند.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

روش تحلیل محتوا در بسیاری از زمینه‌های تحقیقاتی به عنوان روشی ارزشمند شناخته شده است. از سوی دیگر، این روش دارای قابلیت‌های زیادی برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌های عینی است. گرچه از این روش نمی‌توان برای همه انواع مطالعه‌ها در حوزه‌های اجتماعی و انسانی سود برد. با اینکه تحلیل محتوا در گام‌های اولیه خود صرفاً برای توصیف پیام‌های ارتباطی به کار می‌رفت، ولی در فرایند تکاملی خود تا بدان‌جا رسید که با این روش، از طریق اندازه‌گیری همبستگی متغیرهای مستقر در متن، می‌توان به سؤال‌های تحقیق پاسخ داد. "کارت رایت" تحلیل محتوا و رمزگذاری را به‌طور تبادل‌پذیری برای ارجاع به توصیف عینی، منظم و کمی رفتارهای نمادی طرح می‌کند<sup>(۱)</sup> برلسون نیز تعریف مشابهی دارد: "تحلیل محتوا نوعی تکنیک پژوهش است که برای توصیف عینی، منظم و تا آنجا که ممکن است کمی محتوای ارتباطات با هدف‌نهایی تفسیر داده‌ها به کار می‌رود"<sup>(۲)</sup> تعریف‌های مختلفی راجع به تحلیل محتوا داده شده است ولی علی‌رغم تنوعشان، همه تعریف‌ها در مورد عینیت<sup>۱</sup>، انتظام<sup>۲</sup> و عمومیت<sup>۳</sup> و تا آنجا که ممکن است کمی بودن مشترک هستند.

شرط عینیت می‌گوید که هر مرحله از فرایند پژوهش باید براساس قواعد، احکام و روش‌های مشخص باشد. حتی ساده‌ترین نوع و عادی‌ترین اشکال تحلیل محتوا، به قضاوت شخصی پژوهشگر در مورد اطلاعاتش نیازمند است. مثلاً چه مقوله‌ای باید به کار گرفته شود؟ مقوله "الف" را از مقوله "ب" چه گونه باید تمیز داد؟ پس از رمزگذاری و تلخیص یافته‌ها، باید دلایل مشخصی ما را به نتایج هدایت کنند<sup>(۳)</sup>. در تحلیل محتوا نحوه رمزگذاری<sup>۴</sup> باید دقیقاً تعریف و تشریح شود. رمزگذاری، داده‌های خام متن را با قواعدی مشخص تغییر می‌دهد. این دگرگونی‌ها شامل برش دادن یا تفکیک کردن متن، جمع‌آوری و شمارش می‌شود. در عمل رمزگذاری، سه نوع انتخاب انجام می‌شود که عبارتند از:

- انتخاب واحدها (شامل واحدهای ثبت و متن)،

- انتخاب قواعد شمارش، و

- انتخاب مقوله‌ها<sup>(۴)</sup>.

لازمه شرط عینیت این است که پژوهشگر بتواند روش‌ها و معیارهای انتخاب اطلاعات

1. objectivity

2. system

3. generality

4. Recording unit

مناسب و تفسیر یافته‌ها را به دیگر پژوهشگران انتقال دهد. در انتخاب واحدها (واحد ثبت)<sup>۱</sup> بخش خاصی از محتوا با قرارگرفتن در مقوله‌های معین مشخص می‌شود. واحد ثبت بخشی از محتواست که برای ساختن مقوله و شمارش بسامدی واحد پایه به کار می‌رود. به‌طور مثال، کلمه یا نماد، شخصیت، جمله، پاراگراف، حادثه، عنوان و موضوع می‌توانند واحدهای ثبت باشند. "موضوع" یا مضمون، یکی از اشکال مهم واحد ثبت در تحلیل محتوا است. تحلیل محتوای موضوعی، شناسایی موضوع‌ها و میزان فراوانی آنها در یک متن است (۵).

اصل مطرح شده در شرط انتظام، آن است که مقالاتی که در دایره شمول یا طرد محتوا یا مقوله قرار می‌گیرند باید برطبق قواعد کاربردی ثابتی باشند. براساس این شرط، تحلیل‌هایی که فقط در پی جمع‌آوری مؤیدات فرضیه‌های پژوهشگران است باید طرد شود و مقوله‌ها باید به‌گونه‌ای تعریف شوند که بر طبق قواعد کاربردی ثابتی قابل استفاده باشند. مقوله‌ها باید با قوانین عمومی و معین ساخت مقوله مطابقت داشته باشند.

در شرط عمومیت، یافته‌ها یا یکدیگر ارتباط نظری پیدا می‌کنند. اگر تنها به اطلاعات توصیفی صرف درباره تحلیل محتوا، بدون ارتباط با سایر ویژگی‌های اسناد یا خصوصیات نویسندگان و مقاله‌ها و استفاده‌کنندگان از آنها توجه کنیم، ارزش و اعتبار تحلیل را کاهش داده‌ایم. علاوه بر این سه شرط، دو شرط دیگر نیز لازم است: کمیّت و کیفیت (۶). در یک طبقه‌بندی کلی، معمولاً روش‌های متفاوت تحلیل محتوا به دو دسته تقسیم می‌شوند: روش‌های کمی و روش‌های کیفی. در روش‌های کمی، معمولاً مقدار زیادی اطلاعات به‌طور مختصر تحلیل می‌شوند. در این روش می‌توان مجموعه‌ای از اسناد و یا متون را استخراج، شمارش و طبقه‌بندی کرد. در روش‌های کیفی، مقدار کمی اطلاعات مرکب و مفصل تحلیل می‌شوند و پایه واحد اطلاعاتی، ظهور یا غیبت یک خصیصه است (۷).

### کاربردهای روش تحلیل محتوا

روش تحلیل محتوا را احتمالاً می‌توان برای حداقل سه دسته کلی از مسائل پژوهشی مناسب یافت:

۱. در صورتی که دسترسی به اطلاعات مشکل و اطلاعات پژوهشگر محدود به مدارک اسنادی باشند.

۲. در صورتی که پژوهشگر به موضوع‌های مورد پژوهش دسترسی مستقیم داشته باشد. در این حالت ممکن است ترجیح دهد که اطلاعاتش را با استفاده از روش تحلیل محتوا جمع‌آوری کند. چنانچه یافتن معیارهای تکراری ارزش‌ها و افراد مورد بررسی در زمانی معین مدنظر باشد و دلایلی مانند تأثیرکنش متقابل مداوم تحلیل‌گر و موضوع مورد بررسی بر ماهیت پاسخ‌ها مهم باشد، تحلیل محتوای منابع، در موضوع مورد بررسی، راهی مفید برای جمع‌آوری اطلاعات است.

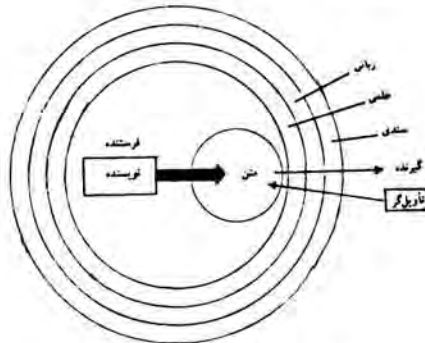
۳. این روش می‌تواند وسیله مناسبی برای تکمیل اطلاعات باشد. پژوهشگران ممکن است نتایج اطلاعات گردآوری شده را از طریق پرسشنامه یا مصاحبه با مقایسه آنها از طریق تحلیل محتوای منابع موضوع بررسی مورد مطالعه قرار دهند.<sup>(۸)</sup>

حوزه کتابداری پیوسته با روش "تحلیل محتوا" سروکار دارد. تحلیل محتوا، به‌عنوان یکی از روش‌های تحقیق در این حوزه، به معنای عینیت بخشیدن، کمی‌کردن و سنجش‌پذیر کردن پیام‌ها، از طریق نمادهای مشخص است.<sup>(۹)</sup>

### واحد زمینه یافتن

ارزیابی ساختار متن، به منظور بیرون کشیدن محتوای اطلاعاتی آن، برای اینکه بتوانیم مکانیسمی به وجود بیاوریم تا سند برای تحقیق ساده‌تر گردد، اهمیت زیادی دارد. متن، نقطه آغاز برای تجزیه و تحلیل سند است.<sup>(۱۰)</sup> هر موضوع یا مضمونی در قالب زمینه یا یک متن ظاهر می‌شود؛ یعنی پژوهشگر برای شناسایی مضمون یا موضوع موردنظر، باید بخشی از متن را مبنای شمارش و محاسبه قرار دهد که به آن "واحد متن" یا "زمینه" می‌گویند. به‌طور مثال، واحد متن یا زمینه می‌تواند "مقاله" یا هر مطلبی باشد که عنوان خاصی دارد<sup>(۱۱)</sup>. متن نوعی واحد مستقل معنایی و دارای دو وجه است که رابطه این دو دارای اهمیت است: شکل<sup>۱</sup> که جنبه صوری و سطحی دارد و محتوا<sup>۲</sup>، که جنبه عملی و عمیق دارد.

وجه غالب تحقیق در یک متن، تطابق جنبه‌های مختلف محتوایی با جنبه‌های عملی آن است یعنی توانایی کمی‌کردن جنبه‌های مختلف متن. متن را می‌توان مانند هسته‌ای فرض کرد که به‌وسیله عناصر مختلف یا پوسته‌های محتوایی احاطه شده‌اند که نمایانگر محتواهای علمی، زبانی و سندی هستند<sup>(۱۲)</sup>.



شکل ۱: تصور فرضی از متن

می توان گفت که محدوده محتوای علمی زیر مجموعه زبان است و به وسیله زبان تمام نشانه های استفاده شده در متن به کار می رود. در محتوای سندی شرایط عملی ارزیابی وجود دارد. محتوا با موضوع متن دارای ارتباط است. موضوع عامل بالقوه ای است که به وسیله جامعه تعیین می شود و فردی که عمل تحلیل را انجام می دهد در واقع بخشی از محتوا را با ارزیابی های خاص جهت می دهد. پس استنباط یا تأویل یکی از اجزای تحلیل محتواست.

### مراحل تحلیل محتوا

اولین مرحله در تحلیل محتوا، تشخیص کلمه های منفرد در متن است. تطابق بین "شکل ها" و "معانی" واحدهای زبان پیچیده است. کنترل واژگان، تعریف های دستوری و جنبه های قاموسی به تحلیل گر کمک می کنند تا بر این پیچیدگی فائق آید. در مرحله دوم، با جمله مواجه هستیم که در آن نه تنها به معانی کلمه ها بلکه به ساختار آنها نیز متکی هستیم. در مرحله تحلیل ساختاری، به فرایند انتقال متن توجه می نماییم. این نوع تحلیل، محقق را در استنباط از متن، با توجه به هدف متن، کمک می کند. علائق و دانش پایه تحلیل گر، تعیین کننده محتوای متن است که به منظور استنتاج و تأویل در مرحله آخر لازم است و فرد از سه حیطه اساسی برای انجام آن استفاده می کند:

۱. روان شناسی درک<sup>۱</sup>، هنگامی که با فرایند درک مواجه است؛
۲. منطق<sup>۲</sup>، هنگامی که تمام کار او باید روال منطقی پیدا کند؛
۳. زبان شناسی.

استراتژی تحلیل محتوای متون را می‌توان به صورت ذیل نشان داد: (۱۳)



شکل ۲- استراتژی تحلیل محتوا

۱. در مرحله خواندن و درک مطلب، سهم روانشناسی درک از همه مهمتر است.
۲. در مرحله استنباط و تأویل، سه حوزه روانشناسی درک، منطق و زیانشناسی دخالت دارند. در این مرحله، تمام ظرفیت اطلاعاتی که همراه محتوای سند است به کار گرفته می‌شود.
۳. در مرحله سوم، تحلیل‌گر ترکیب محتوای متن تأویل شده را مطابق با آنچه هدف اوست، توصیف می‌کند. در این مرحله، خلاقیت تحلیل‌گر جلوه‌گر می‌شود و ساختار محتوای متن با توجه اهداف متن روشن می‌گردد.

### شیوه‌ها و فنون

شیوه ساده تحلیل محتوا به ترتیب زیر است: علوم انسانی

۱. تحدید موضوع: مانند هر نوع پژوهشی، موضوع باید با دقت مشخص و محدود شود.
۲. تعیین جامعه آماری: باید انواع آثار (مقاله، کتاب و...) تصریح و مشخص گردد.
۳. مشاهده آزاد، مطالعه مکرر اسناد در پژوهش‌های تحلیل محتوا، مشاهده مستقیم و آزاد نامیده می‌شود که در خلال آن، فرضیه‌های اولیه تصحیح می‌شوند و ابزار کار روشن‌تر می‌گردد.
۴. نهایی‌سازی فرضیه‌ها و تبدیل آنان به مضمون‌ها یا مقوله‌ها: پس از مشاهده آزاد، مضمون باید براساس فرضیه‌های اساسی مشخص شوند. مسأله اصلی در هر طرح پژوهشی، گزینش و تعریف مقوله‌هاست. روش تحلیل محتوا با توجه به مقوله‌هایش موفق می‌شود یا شکست می‌خورد (۱۴).

مقوله‌بندی عبارت است از طبقه‌بندی عناصر اساسی یک مجموعه از طریق تشخیص تفاوت‌های آنها و سپس، گروه‌بندی مجدد آنها براساس معیارهای تعیین شده قبلی برحسب نوع

عناصر. مقوله‌ها، موضوع‌ها یا طبقاتی هستند که گروهی از عناصر را که در تحلیل محتوا، واحد ثبت نامیده می‌شود زیر یک عنوان نوعی جمع می‌کنند. خصوصیات مشترک این عناصر علت این گردآوری است. در انتخاب مقوله‌ها معیارهایی نظیر اصول تناسب، همگنی، باروری، عینیت، جامعیت و مانعیت را می‌توان به کار برد (۱۵).

۵. تمهید معرف‌ها: برای اثبات یا ردّ فرضیه‌ها از شیوه‌های گوناگون می‌توان استفاده کرد:

- کلمه‌های به کار رفته در آثار یا سخنرانی‌ها و...؛

- جمله‌ها و عبارات‌ها؛

- نشانه‌های دیگر.

۶. تهیه پرسشنامه معکوس: معرف‌ها یا نشانه‌هایی که برای ردّ یا اثبات فرضیه‌ها پذیرفته شده‌اند، در یک مجموعه به نام پرسشنامه معکوس گردآوری می‌شوند؛ آن را مورد آزمون مقدماتی قرار می‌دهند و سپس به کار می‌گیرند.

۱. در روش تحلیل محتوا نیز پرسشنامه تهیه می‌شود که با مطالعه آثار مورد نظر تکمیل می‌گردند، اما این پرسشنامه را، از آن رو که داده‌ها در اختیار محقق هستند و صرفاً استخراج پاسخ از آنها مورد توجه قرار می‌گیرد، پرسشنامه معکوس می‌خوانند.

### نمونه‌گیری، اعتبار و روایی

نمونه‌گیری، پایایی و روایی یا اعتبار، سه عنصر مهم در سنجش تحلیل محتوا هستند. انگیزه اصلی در نمونه‌گیری، لزوم عملی کاهش حجم اطلاعات برای کنترل آن است. محقق همین‌که مسأله پژوهشی را تعریف کرد باید طرح نمونه‌گیری را نیز تعیین کند. اولین مرحله نمونه‌گیری، تهیه فهرست تمام اجزای اسنادی است که قرار است نتایجش تعمیم داده شود. وقتی که جامعه آماری موضوع مشخص شد، طرح نمونه‌گیری یک مرحله‌ای کافی خواهد بود. گاهی نمونه‌گیری چند مرحله‌ای مطرح می‌شود که ممکن است تا سه مرحله را شامل شود: انتخاب منابع موضوع، نمونه‌گیری از اسناد و نمونه‌گیری در درون اسناد.

منظور از اعتبار یک تحقیق، میزان دقت شاخص‌ها و معیارهایی است که برای سنجش پدیده مورد نظر تهیه شده‌اند. در تحلیل محتوا، به منظور دقت بخشیدن به نتایج، می‌توان اعتبار تحقیق را به شیوه‌های زیرشناسایی کرد:

۱. اعتبار محتوا<sup>۱</sup> یا صوری<sup>۲</sup>؛

۲. اعتبار پیش‌بینی‌کننده<sup>۳</sup>؛

۳. اعتبار مقارن<sup>۴</sup>؛

۴. اعتبار سازه‌ای<sup>۵</sup>.

اعتبار "محتوا" که با نام اعتبار "صوری" نیز به کار می‌رود غالباً تکیه‌گاه تحلیل محتوا است؛ مثلاً اگر هدف پژوهشگر صرفاً توصیف باشد، اعتبار محتوا کافی است. اعتبار محتوا را قضاوت آگاهانه پژوهشگر به وجود می‌آورد<sup>(۱۶)</sup>. میزان توافق متخصصان یک امر در مورد یک شاخص یا معیار را اعتبار صوری می‌نامند. اعتبار صوری را می‌توان ناشی از میزان توافق چند متخصص دانست. "اعتبار پیش‌بینی‌کننده"، مربوط است به توانایی ابزار در پیش‌بینی حوادثی که در حال حاضر درباره آن، مدرکی در دسترس تحلیل‌گر قرار ندارد. پژوهشگر می‌تواند از اطلاعات در دسترس خود برای پیش‌بینی وقوع حوادث آینده بهره ببرد. برای شناخت و سنجش ضریب اعتبار<sup>۶</sup>، نتایج تحقیق را باید با داده‌هایی معتبر و شبهه‌ناپذیر محک زد.

در "اعتبار مقارن" نیز از طریق پیش‌بینی معیارهای خارجی، اطلاعات محتوا سنجیده می‌شود. چنان‌چه این معیار، مقیاس معتبری برای پدیده مورد پژوهش نباشد، حتی با اثبات اینکه اطلاعات محتوا با آن ارتباط دارد، نتیجه زیادی نخواهد داشت.

"اعتبار سازه‌ای" مربوط است به معتبر ساختن معیار و نیز به نظریه زیربنایی آن. یکی از شرایط اعتبار سازه‌ای این است که فرضیه‌های استخراج شده از نظریه، در شرایطی مختلف نتایج مشابه به بار آورند؛ یعنی نتایج باید به موقعیت‌های مختلف قابل تعمیم باشند. صرف اثبات اینکه متغیر "الف" می‌تواند به‌طور مناسبی متغیر "ب" را پیش‌گویی کند و یا صلاحیت آن را دارد کافی نیست، این مدرک باید شامل تبیین علل ویژگی‌های متغیر "الف" نیز باشد<sup>(۱۷)</sup>.

## عنوان

یکی دیگر از جنبه‌های تحلیل محتوا بررسی "عنوان" است. عنوان هر اثر جلوه‌ای از هویت آن اثر است و به تعبیری نخستین جلوه‌ای از متن است که خواننده با آن روبه‌روست. مجلات معتبر دنیا یکی از شرایط قبول مقاله را برابری مضمون عنوان با مضمون متن تعیین می‌کنند. این

1. content validity

2. face validity

3. predictive validity

4. concurrent validity

5. construct validity

6. validity coefficient



کار را به دو دلیل انجام می‌دهند:

۱. به دلیل آنکه مسأله تحقیق باید به گویاترین وجه در عنوان متجلی باشد.
۲. به این دلیل که عنوان، پایگاه موضوعی بسیاری از سازمان‌هایی است که به کار تهیه فهرست موضوعی ماشینی مقاله‌ها می‌پردازند<sup>(۱۸)</sup>.

### کاربرد رایانه در تحلیل محتوا

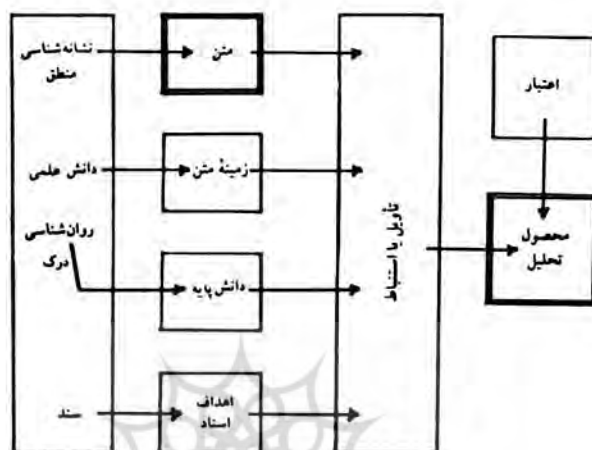
رایانه در پژوهش‌های مربوط به تحلیل محتوا کاربرد گسترده‌ای یافته است. مثلاً هنگامی که تعداد مقوله‌ها در شمارش بسیار زیاد باشند، روش "بررسی عمومی" به کار می‌رود که در آن برنامه‌ای متن خام یا پردازش نشده‌ای را بررسی می‌کند، جایگاه و خصوصیات متن را مشخص می‌کند، شمارش و جدول‌بندی می‌کند و نیز برنامه "فرهنگ واژگان"، که در آن هر کلمه با یک مفهوم یا بیش از یک مفهوم به عنوان مقوله‌ای خاص در نظر پژوهشگر مشخص می‌شود. "فرهنگ واژگان" رابطی بین تنظیم نظری مسأله پژوهش و عملیات ماشینی است. مثلاً به هر کلمه برچسب‌هایی نظیر مثبت - منفی، قوی - ضعیف و فعال - منفعل می‌زنند و به این ترتیب کلمات را با استفاده از رایانه شمارش و معنا می‌کنند.

برخی از مشکلات مربوط به رمزگذاری دستی را می‌توان با استفاده از کامپیوتر به حداقل رساند ولی کامپیوتر از انجام تمام کارهای عادی و تکراری مرتبط با تحلیل محتوا عاجز است. کامپیوتر می‌تواند تمام اموری را انجام دهد که تحلیل‌گر توانسته است دستورالعمل صریحی برایشان تهیه نماید. مزایای استفاده از کامپیوتر در تحلیل محتوا در حالت‌های زیر معلوم می‌گردد:

۱. هنگامی که واحد تحلیل، کلمه یا نماد و نتایج مبتنی بر فراوانی آنها باشد؛
۲. توانایی بسیار بالا در کار با متغیرهای متعدد و به‌طور همزمان؛
۳. صرفه‌جویی در وقت، هنگامی که پژوهشگر با تحلیل‌های بسیار متفاوت روبه‌روست؛
۴. کاهش هزینه‌ها، هنگامی که قرار است اطلاعات موجود در پژوهش‌های دیگر مورد استفاده قرار گیرد<sup>(۱۹)</sup>.

### نتیجه

فرایند تحلیل محتوا را می‌توان با نمودار زیر نشان داد<sup>(۲۰)</sup>.



شکل ۳. فرایند تحلیل محتوای متون نوشته شده

بدین ترتیب می‌توان گفت که تحلیل‌گر پس از انتخاب سند، با ابزار نشانه‌شناسی، منطقی، دانش علمی و روان‌شناسی درک می‌تواند متن و زمینه آن را مطالعه استنباط یا تأویل کند. بدین منظور دانش پایه تحلیل‌گر و اهداف سند اهمیت فراوان دارد. او برای ارائه کار خود به صورت یک پژوهش نیازمند به "اعتبار" است.

در روش تحلیل محتوا، در واقع محقق پیوسته یک پیش فرض را به عنوان اصل پذیرفته که سمبل‌های موجود در رسانه‌ها قادرند پیام‌ها را آن‌گونه که مورد نظر فرستنده پیام است القا کنند و با چنین پیش فرضی است که معتقدند متن خاص با درصدی بالا از اصطلاحات و مفاهیم دارای القائاتی خاص است. پیش فرضی که خود نیاز به تحقیق و بررسی دارد که آیا سمبل‌های خاص قادرند پیام‌های مورد نظر فرستنده را همان‌طور که مورد نظر است، نشان دهند<sup>(۲۱)</sup>.

## منابع

۱. کارت رابت، ۱۹۵۳، ص ۴۲۴ در: آل آرموسنی، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری (تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۳)، ص ۲۸.
۲. باقر ساروخانی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵)، ص ۲۸۰.